

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

بحث در این بود که اگر مولا، در امر اول نتواند قصد امر را بعنوان جزء متعلق قرار دهد، آیا به امر دوم این امکان دارد یا نه؟ یعنی بعضی از کسانی که قائل شده‌اند به این که، به امر واحد استحاله دارد، قائلند به این که با امر دوم امکان دارد، یعنی مولا یک امر به ذات صلاحه داشته باشد و امر دومی به این که، این صلاتی که متعلق به امر اول قرار گرفته، واجب است که با قصد الامر اتیان شود.

عرض کردیم که مرحوم آخوند(ره)(در کفایه) این راه نپذیرفته و به این راه دو اشکال داشته‌اند که، اشکال اول را دیروز بیان کرده و بررسی کردیم و روشن شد که، آن اشکال اولشان وارد نیست.

در اشکال دوم فرموده‌اند: اصلاً چنین چیزی از نظر عقلی مشکل و محذور دارد؛ یعنی در این راه هم گفته‌اند: امکان عقلی ندارد.

جواب دوم مرحوم آخوند(ره) از این نظریه

بیان این اشکال را هم بنحو اجمال عرض کردیم که، مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند: وقتی که مولا امر دومی را متوجه می‌کند، این امر اول - به حسب آنچه که در ظاهر عبارت کفایه آمده - از دو حال خارج نیست، یا آن مامور به، به امر اول را اگر بدون قصد قربت امتثال کنیم، علم پیدا می‌کنیم به این که غرض مولا محقق شده است و یا علم پیدا می‌کنیم به این که، غرض مولا محقق نشده است.

در صورتی که علم پیدا کنیم به این که، بدون قصد قربت غرض مولا محقق شده، مرحوم آخوند فرموده‌اند که: دیگر امر دوم «یصیر لغوا» و اگر هم علم پیدا کنیم به این که، بدون قصد قربت غرض مولا محقق نمی‌شود، عقل می‌گوید: باید قصد قربت را آورد، باز هم امر دوم «یصیر لغوا».

عرض کردیم که ظاهر عبارت مرحوم آخوند(ره) در کفایه این است که دو شق در این جواب دومشان ذکر کرده‌اند و عرض کردیم که شق سومی هم دارد که - شاید از باب روشن بودنش مرحوم آخوند(ره) نفرمودند - اگر شک کنیم که آیا مامور به به امر اول را بدون قصد قربت امتثال کنیم، غرض مولا محقق می‌شود یا نه؟ اینجا قاعده اشتغال جاری شده و می‌گوید: اشتغال یقینی برائت یقینی می‌خواهد و نتیجه‌اش این است که، از نظر عقل باید قصد قربت را آورد و در نتیجه روی همه فروض مسئله، یعنی چه مسئله را بگوییم: دو شق دارد، یا بگوییم: دارای سه شق است، امر دوم لغو است و کار لغو از حکیم محال است، پس این

راه دومي هم كه ذكر شده، استحاله‌ي عقلي دارد.

نقد و بررسي جواب دوم مرحوم آخوند(ره)

اينجا هم به شق اول فرمايش مرحوم آخوند(ره) اشكال شده و هم به شق دوم فرمايششان كه، البته غالبا به شق دوم اشكال کرده‌اند. در شق اول، يك اشكال مهمي را مرحوم محقق اصفهاني(ره)(در حاشيه كفايه) فرموده و شق دوم را هم مرحوم اصفهاني، مرحوم عراقي و مرحوم نائيني(قدس سرهم) مورد اشكال قرار داده‌اند.

اشكال محقق اصفهاني(ره) به شق اول

در شق اول مرحوم محقق اصفهاني(ره)(در همين كتاب نهايه الدرايه در جلد اول صفحه 332) اينطور اشكال کرده‌اند كه، ما شق اول را اختيار مي‌كنيم و اين محذوري را هم كه فرموده‌اند، وجود ندارد.

مرحوم اصفهاني(ره) فرموده‌اند كه: آخوند(ره) در باب امتثال مبنايي داشته‌اند كه بر خلاف مشهور قائل‌اند به اين كه، به مجرد امتثال يك امر، غرض ساقط نمي‌شود، البته در بعضي از موارد، امتثال موجب سقوط غرض هست، اما اين چنين نيست كه، در همه ي موارد بخوايم امتثال را علت تامه براي سقوط غرض قرار دهيم.

مثلا اگر مولايي عبدش را امر كرد به اين كه، «جئني بالماء» عبد هم مثلا آب نيمه گرمي براي مولا بياورد، اينجا از نظر عرفي و عقلايي امتثال محقق شده است، اما چون غرض مهم مولا رفع العطش هست، مي‌توانيم بگوئيم: با اين امتثال غرض ساقط نشده است و عبد مي‌تواند، مجددا ماء باردي را براي مولا بياورد. مرحوم آخوند(ره) از اين مسئله، به جواز تبديل امتثال به امتثال ديگر تعبير مي‌كنند.

طبق اين توضيحي كه مرحوم محقق اصفهاني(ره) داده، اين تبديل امتثال به امتثال ديگر، در بعضي از موارد عنوان وجوبي دارد، يعني واجب است كه اين امتثال را، به امتثال ديگر تبديل پيدا كنند.

در بعضي از موارد هم عنوان استجابي دارد، مثلا به اين ملاك بيان فرموده‌اند كه: اگر بعد از امتثال، عبد بداند مصلحت ملزمه‌ي قائمه به اتيان فعل وجود دارد و بايد با وجود مصلحت ملزمه، مجددا امتثال را انجام دهد و اگر بداند كه، با فعل اول امتثالي انجام شده و مقداري از غرض مولا محقق شده، اما آن غرض نهايي و اوفي محقق نشده است، اينجا تبديل امتثال به امتثال ديگر مستحب است.

بنابراين، اشكال مرحوم اصفهاني(ره) به شق اول اين است كه، شما كه تبديل امتثال به امتثال ديگر را جايز و صحيح مي‌دانيد، چرا در اينجا اين حرف را مي‌زنيد؟

سوال:...

پاسخ استاد: مرحوم اصفهاني(ره) گفته: مولا يك امري به ذات صلاه کرده و يك امر دومي هم به اينكه آن صلاتي كه مامور به واقع شده، واجب است كه به قصد امر انجام دهيم. مرحوم آخوند(ره) فرموده: اين عقلا نمي‌شود، اگر عبد يقين دارد كه صلاه بدون قصد قربت موجب سقوط غرض مولاست، پس اگر صلاه يعني مامور به به امر اول را آورد، يقين دارد كه غرض مولا ساقط است و اگر غرض مولا ساقط باشد، امر دوم لغو مي‌شود.

مرحوم اصفهانی(ره) خواسته بفرماید: روی مبنای تبدیل امتثال به امتثال دیگر، امر دوم لغو نیست؛ چون مثلاً کسی صلاه را بدون قصد قربت آورده، می‌گوید: من یقین دارم بدون قصد قربت محقق شده، اما می‌دانم که اگر با قصد قربت انجام دهم، غرض اوفی و کامل مولا محقق می‌شود، لذا مجدداً صلاه را به امر دوم با قصد قربت انجام می‌دهد. پس امر دوم داعی می‌شود بر این که، مکلف صلاه را مجدداً با قصد قربت انجام دهد و این همان معنای تبدیل امتثال به امتثال دیگر است و شما هم تبدیل امتثال به امتثال دیگر را جایز دانستید.

سوال:....؟

پاسخ استاد: اگر در یک امر واحد، تبدیل امتثال به امتثال دیگر جایز باشد، در دو امر به طریق اولی جایز است. در امر دوم می‌گوید: همان صلاه مأمور به به امر اول را، بقصد قربت انجام بده. این هم در حقیقت، بی ارتباط به امر اول نیست، وقتی بی ارتباطی نبود می‌گوییم: اگر عبد صلاه بدون قصد قربت بخواند - فرض کردیم که نمی‌دانیم قصد قربت معتبر است یا نه - می‌گوید: امتثال واقع شده است و غرض مولا هم ساقط شده، منتها اگر بخواهم غرض مهم مولا را استیفا کنم، دو مرتبه و مجدداً صلاه با قصد قربت انجام می‌دهم و این امتثال دوم می‌شود و آنچه که داعی برای این امتثال دوم بوده، امر دوم است، پس امر دوم لغو نیست.

نقد و بررسی فرمایش محقق اصفهانی(ره)

در اینجا بر فرمایش مرحوم محقق اصفهانی(ره) اشکالاتی شده و اشکالاتی هم به ذهن می‌رسد.

اشکال اول

اولین اشکال به مرحوم اصفهانی شده این است که این ایراد، یک ایراد جدلی است و ایراد جدلی هم واقعاً ایراد نیست. جدل یعنی انسان حرفی بزند که خودش قبول ندارد، اما مبتنی بر مطلبی است که خصم آن را قبول دارد.

درست است که این ایراد بر مثل مرحوم آخوند(ره) چون تبدیل امتثال به امتثال دیگر را جایز می‌داند وارد است، اما تمام افرادی که بعد از مرحوم آخوند(ره) آمده‌اند، هیچکس مسئله تبدیل امتثال به امتثال دیگر را قبول نکرده و همه همین مبنا را دارند که، امتثال علت تامه‌ی برای سقوط امر و غرض است.

اشکال دوم

ثانیاً گفته‌اند: اصلاً مسئله جواز تبدیل امتثال به امتثال دیگر فرضش در جایی است که، امر اول باقی باشد و مانحن فیه، یعنی در این شقی که آخوند(ره) بحث می‌کند، فرض در جایی است که مکلف به سقوط امر اول علم دارد. پس اصلاً ربطی بین این دو بحث وجود ندارد.

اشکال این است که موضوع بحث در مسئله جواز تبدیل امتثال به امتثال آخر با فرض بقای امر اول است، یعنی مکلف آمده یک امتثال و عملی را انجام داده که از نظر عقلاء می‌گوییم: امتثال است. اما چون آن غرض اوفی محقق نشده، پس امر باقی است، لذا می‌تواند امتثال دومی انجام دهد، والا در بحث جواز تبدیل امتثال به امتثال دیگر، اگر بگوییم: امر اول بطور کلی ساقط شده، اصلاً تبدیل به امتثال دیگر معنا ندارد.

به یک عبارت دیگر اصبه یک عبارت دیگر اصلاً مسئله جواز تبدیل امتثال به امتثال دیگر جایی است که، یک امر از مولا صادر می‌شود و مکلف هم این امر را امتثال می‌کند، اما باز «مع فرض بقاء الامر»، تبدیل این امتثال به امتثال دیگر جایز است، اما در ما نحن فیه که، مولا بیاورد امر دوم را بیان کند، مرحوم آخوند(ره) فرموده: این امر دوم لغو است و اگر بخواهید و امتثالی را برای امر دوم درست کنید، خودش امتثال مستقل می‌شود و این دیگر تبدیل نیست که بگوییم: امتثال اول تبدیل به امتثال دوم شد، لذا اصلاً ربطی به مسئله تبدیل امتثال به امتثال ندارد. لا مسئله جواز تبدیل امتثال به امتثال دیگر جایی است که، یک امر از مولا صادر می‌شود و مکلف هم این امر را امتثال می‌کند، اما باز «مع فرض بقاء الامر»، تبدیل این امتثال به امتثال دیگر جایز است، اما در ما نحن فیه که، مولا بیاورد امر دوم را بیان کند، مرحوم آخوند(ره) فرموده: این امر دوم لغو است و اگر بخواهید و امتثالی را برای امر دوم درست کنید، خودش امتثال مستقل می‌شود و این دیگر تبدیل نیست که بگوییم: امتثال اول تبدیل به امتثال دوم شد، لذا اصلاً ربطی به مسئله تبدیل امتثال به امتثال ندارد.

اشکال سوم

اشکال سوم این است که مرحوم آخوند(ره) فرموده: اگر کسی ذات صلاه را انجام داد و بعد علم پیدا کرد که، غرض اوفی متوقف بر قصد قربت است، عقل حکم می‌کند به این که صلاه را با قصد قربت بیاورد و اینجا هم نیازی به امر دوم نیست. مرحوم آخوند(ره) حرفش این است که، اگر راه برای این باشد که، عقل حکم کند به این که باید با قصد قربت بیاورید، دیگر بیان و ذکرش از راه امر دوم لغو است.

پس مجموعاً سه اشکال بر فرمایش مرحوم محقق اصفهانی(ره) وارد شد.

اشکال اول: این ایراد شما جدلی است.

اشکال دوم: از دو جهت مسئله تبدیل امتثال به امتثال با ما نحن فیه مختلف است؛ یک جهت این است که، تبدیل امتثال به امتثال با فرض بقاء امر است و ما نحن فیه فرض سقوط امر است و دوم این که در تبدیل امتثال، یک امر بیشتر نیست، اما در اینجا امتثال دوم، تبدیل امتثال اول نیست، بلکه خودش امتثال امر دوم است.

اشکال سوم: اگر علم دارد که غرض اوفی متوقف بر قصد قربت است، عقل حکم می‌کند به این که صلاه را با قصد قربت بیاورد، پس نیازی به امر دوم نیست.

بنابراین این اشکال مرحوم اصفهانی(ره) بر این شق اول فرمایش مرحوم آخوند(ره) وارد نیست.

در شق دوم عرض کردم که یک اشکالی را مرحوم اصفهانی(ره) دارد، یک اشکالی را مرحوم عراقی(ره) و یک اشکالی هم مرحوم نائینی(ره) دارد که، آن مقداری که مناسب باشد عرض می‌کنیم ان شاء الله.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ